

ویا

تازیان را در آن کار بیش از آنکه باید یاوری نموده اند و هر
 جاپیزی برای گناشتن در اندیشه داشته اند و واژه که در
 تازی بچم آن باشد نداشته اند از سخنان فارسی بهمان
 سان بکار برده اند که تازیان در چین جاها آشکار ساخته اند
 دیگری آنکه مردمی که بر سر خاک و و کشور بود و باش
 دارند و زندگی میکنند بیشترشان باگزیر و از روی منش
 زبان هر و کشور را میدانند و همین یکی در نخستین نگاه
 هویدا میگردد اند که خودش میبانی بزرگ آینه اش سخنان
 هر و زبان است با یکدیگر چنانکه اگر کسی برود پیش او
 یا شکار پور که سوانه های هند و افغان دهند و سندان
 و کفنگاری مردم آنجا با برخورد راستی این سخن را باورستی
 دریافت خواهد نمود همچنین اگر کسی برود در لوپاران^{ان}

دیباچه

بجز از این
موردی نیست

گرددش منساید سخنانیکه فارسی نماند از مردم اینجا خواهد شنید و چون برگردد و از رود اردو گذرشته بر سر خاک ایران رسد از بومیان آنجای سخنان آری خواهد شنید که در گفتگوهای روزانه بکار برده میشوند و همین سان کنونه ها هستند که از سخت در زبانی زبانه پیوند و خویشی نژاد زبان بیگانه گشته اند و این سخن تنها بر سخن و زبان نپیرون زیرا که اگر ژرف نگریسته شود در تخستین نگاه دانسته خواهد شد که مردمانی که بر سر خاک دو کشورند در چگونگی خوراک و پوشاک و نهاد زندگانی نیز تمایز یکدیگر میکنند

اگر چه پیش از آغاز داستان دست تر این بودی که از چگونگی خاک و سوانه و آنچه وابسته باینها باشد آنگی بسزائی داده شدی مگر چونکه سرگزشت پادشاهی هند و آن که بر زبان مسلمانان پیش است از آنرو که تاکنون از رگزر نارسائی

ویاچه

و کمی سامان آلهی روزگار کسورانی آن گروه نوشته نغده
 است و امیدبخارش آن تیر بیاریهای بیکران ایزدی است
 است اکنون را بخارش آن فرگذاشته شد زیرا که
 آن پاره داستان بند پیشتر از دیگر پاره است و جای
 اینچنین گفتارها همیشه در آغاز برنامه است و آغازنامه
 پس از این بیاری پاک نیردان بزرگ در بخارش
 گزشت شهر باری هندوان بویدخواه شد

فهرست

سنگرز شتهاد رویدادها کاخ نخستین داستان ترک تازان بنده
باشاذهی شماره روپها و سال تازی و فرنگی

گفتار در	روی	سال تاز	سال فرنگی
ویاچ	۲	۰	۰
پیشانی	۳	۰	۰
آغاز پیش تازی مسلمانان تازی	۵	۰	۰
شکست مسلمانان در باختر	۶	۱۱۵	۷۳۲
جنگ قادسیه	۸	۱۱۷	۷۳۴
جنگ جلال یا جلولا	۸	۱۱۵	۷۳۲
جنگ نهاوند	۸	۲۱	۷۱۰
مردان خلیفه دوم مسلمانان	۸	۲۳	۷۱۲
شورش بازماده ایران	۸	۳۰	۷۱۹
تازیان - سومین شورش و جنگ	۸	۳۰	۷۱۹

فهرست کاخ تختین

۳۴

گفتار و	روی	سال تازی	سال فرنگی
ایرانیان بر تازیان	۹	۳۲	۶۵۲
پیدایش نام افغانان یورش تازیان از راه کابل	۱۰		
به ملتان -	۱۱	۳۴	۶۶۴
یورش تازیان از راه فارس و بلوچستان کشور سند	۱۳	.	.
آهنگ محمد قاسم لبوی سند	۱۴	۹۳	۶۱۱
مرگ محمد قاسم	۲۶	۹۶	۶۱۴
تاختن افغانان بسوانه			
های هند	۳۷	۱۴۳	۶۶۰
پیشازی پادشاهان عربین -	۳۹	.	.

فهرست کاخ تختین

۸۶۲	۲۶۹	۲۹	بنیاد خانه پسران سامان نشستن اسماعیل سامانی بر تخت نجارا
۹۶۱	۳۵۰	۳۲	جدائی الپتگین از خراسان و تاختگاه ساختن او غزنین را
۹۶۴	۳۶۵	۳۴	مردن الپتگین و بر تخت نشستن فرزندش اسحاق
.	.	۳۷	نژاد سبکتگین -
۹۶۶	۳۶۶	۳۸	پادشاهی سبکتگین
۹۶۶	۳۶۶	۴۱	شکرکشی سبکتگین بسوی هند
۹۹۷	۳۸۷	۴۲	مردن سبکتگین و پادشاهی اسماعیل -
۹۹۷	۳۸۷	۵۱	گرفتن محمود اسماعیل و تختش را

فہرست

گفتار در	روی	سال تناز	سال فرگی
یورش تختین محمود بکشورستان			
ہند	۶۱	۳۹۰	۹۹۹
دوہین یورش محمود	۶۲	۳۹۲	۱۰۰۱
سومین یورش	۶۳	۳۹۵	۱۰۰۴
چارمین یورش	۶۵	۳۹۶	۱۰۰۵
پنجمین یورش	۶۹	۳۹۹	۱۰۰۸
ششمین یورش	۷۹	۴۰۱	۱۰۱۰
ہفتمین یورش	۸۳	۴۰۲	۱۰۱۱
ہشتمین یورش	۸۶	۴۰۴	۱۰۱۳
نہمین یورش	۸۸	۴۰۶	۱۰۱۵
دہمین یورش	۸۹	۴۰۸	۱۰۱۷

فهرست

گفتار در	روی	سال تناز	سال قزقی
یورش‌شهابی ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴	۹۸	۱۰۱۳	۱۰۱۳
پانزدهمین یورش	۱۰۲	۱۰۱۴	۱۰۲۳
شانزدهمین یورش	۱۰۴	۱۰۱۵	۱۰۲۴
هفدهمین یورش	۱۲۱	۱۰۱۷	۱۰۲۶
مردن محمود و بر تخت نشستن فرزندش امیر محمد	۱۲۵	۱۰۲۱	۱۰۳۰
شاه مسعود پور و بکر محمود	۱۳۳	۱۰۲۱	۱۰۳۰
بنیاد خانه سلجوق	۱۳۵	.	.
لشکر فرستادن مسعود بر سر ترکانان سلجوق	۱۴۰	۱۰۲۲	۱۰۳۱
شکر کشیدن مسعود بر سر بنیان	۱۴۱	۱۰۲۴	۱۰۳۳

فہرست

گفتار و	روی	سالِ تازی	سالِ قمری
دست یافتنِ مسعود بر تبرستان و گرگان -	۱۶۲	۴۲۵	۱۰۳۴
سرکشی احمد پور نیالنگین -	۱۴۴	۴۲۶	۱۰۳۴
فرستادنِ مسعود فرزندِ خود مجد را بفرمانفرمانیِ لاہور و روی نمودنِ خودش بسوی ترکمانان	.	.	.
سلجوک -	۱۴۶	۴۲۸	۱۰۳۶
شکست یافتنِ مسعود از ترکمانان	.	.	.
سلجوک -	۱۵۱	۴۳۱	۱۰۳۹
روی نهادنِ مسعود بلاہور و گرفتار شدنش بدست محمد کور	.	.	.

فہرست

گھنٹا در	روی	سال تازی	سال فرنگی
وفروا مقاموش در چاہ گور	۱۵۴	۴۳۲	۱۰۴۰
کواسی او۔	۱۵۵	.	.
مودود پور مسعود۔	۱۵۶	۴۳۲	۱۰۴۰
مردن مودود۔	۱۶۳	۴۴۱	۱۰۴۹
مسعود دوم پور مودود۔	۱۶۴	۴۴۱	۱۰۴۹
علی برادر مودود پور مسعود ^{نخستین}	۱۶۵	۴۴۱	۱۰۴۹
عبدالرشید۔	۱۶۶	۴۴۳	۱۰۵۱
کشتہ شدن عبدالرشید	.	.	.
بدست طغرل۔	۱۶۸	۴۴۴	۱۰۵۲
بر تخت نشستن فرخزاد ^{سن}	۱۶۹	۴۴۴	۱۰۵۲
مردن فرخزاد و بخت ^{بر}	۱۷۲	۴۵۰	۱۰۵۸

necked
1987

فهرست

گفتار در	روی	سال تازی	سال فرنگی
ابراهیم پور مسعود	۱۷۲	۴۵۰	۱۰۵۸
مردنِ ابراهیم و خوی و کواس او	۱۷۸	۴۹۲	۱۰۹۸
پادشاهی مسعود سوم - شاه	۱۷۹	۴۹۲	۱۰۹۸
مردنِ مسعود و پادشاهی ارسلان شاه کشته شدن ارسلان و تحت	۱۸۰	۵۰۸	۱۱۱۴
برآمدنِ بهرام شاه	۱۸۲	۵۱۱	۱۱۱۷
مردنِ بهرام شاه و افتادنِ غزنین	۱۸۷	۵۴۷	۱۱۵۲
بدستِ علاءالدین چنگیز سوزاندنِ او	.	.	.
آن تختگاهِ نامور را	۱۸۷	۵۴۷	۱۱۵۲
پادشاهی خسرو شاه و جابجاشدن			
تحتِ البتگین از غزنین برآوردنِ	۱۸۸	۵۴۷	۱۱۵۲

فہرست

کفتار و	روی	سال تازی	سال فرنگی
مردن خسرو شاہ و برآمدن خسرو ملک بجنت لاہور۔	۱۹۱	۵۵۵	۱۱۶۰
تاختن شہاب الدین غوری پس از دست یافتن برافغانستان	.	.	.
بہ لاہور۔	۱۹۱	۵۷۶	۱۱۸۱
گرفتن شہاب الدین لاہور را با خسرو ملک بفریب و بیایان	۱۹۲	۵۸۲	۱۱۸۶
رسیدن پادشاہی غزنین در ہندوستان تیر۔	.	.	.
بسیا و خائہ پادشاہان غور	۱۹۳	۵۸۲	۱۱۸۶
مطلب الدین محمد	۱۹۴	.	.
	۱۹۹	.	.

فہرست

کفتار در	روی	سال تانی سال فرنگی
سیف الدین سوری	۲۰۰	.
علاء الدین	۲۰۰	.
مردن علاء الدین و برآمدن ^{بہ} سیف الدین		
محمد بجای او۔	۲۰۲	۵۵۱ ۵۶
کشیدن سیف الدین و نشستن		
غیاث الدین بجای او	۲۰۵	۵۵۲ ۵۷
نخستین یورش شہاب الدین		
بہ ملتان و یوح	۲۰۹	۵۷۲ ۷۶
دوین یورش او بہ کرات		
از راہ ملتان و یوح۔	۲۰۹	۵۷۳ ۷۸
سومین یورش او بہ پشاور و		
کرفتن آجٹا را	۲۱۰	۵۷۵ ۷۹

فہرست

کتاب	رومی	سال تاز	کھتار دور
۱۱۸۰	۲۱۰	۵۶۶	چارمین یورش او پ لاہور
۱۱۸۱	۲۱۱	۵۶۷	پنجمین یورش او برہسند
۱۱۸۳	۲۱۱	۵۸۰	ششمین یورش او بر لاہور
			ہفتمین یورش او بر لاہور و خاموش
۱۱۸۶	۲۱۲	۵۸۳	ساختن او چراغ دودہ عزمین را
			ہشتمین یورش او بر ہندوستان
۱۱۹۱	۲۱۳	۵۸۷	شکست خوردن او از راجگان
۱۱۹۳	۲۱۸	۵۸۹	نہمین یورش او باز بر ہند
			دہمین یورش او بہند و خجک
۱۱۹۴	۲۲۲	۵۹۱	او با پادشاہ غنوج
۱۱۹۵	۲۲۴	۵۹۲	یازدہمین یورش او بر ہند
۱۲۰۲	۲۲۷	۵۹۹	مردن غیاث الدین

فهرست

گفتار دور	روی	سال تاز	سال و سنج
پادشاهی شهاب الدین محمد غوری	.	.	.
وکسسه شدن شایمین کشور از	.	.	.
سرسی پاره بزرگان شکر	۲۲۸	.	.
کشته شدن شهاب الدین	۲۳۲	۶۰۲	۱۲۰۶
کواسس او	۲۳۳	.	.
بخت بر نشاندن بزرگان خانه غور	.	.	.
محمود پور غیاث الدین را -	۲۳۴	۶۰۲	۱۲۰۶
مردن محمود و ویران شدن خانه	۲۳۷	۶۰۷	۱۲۱۱
غور از خانه جنگی های پی در پی و	.	.	.
دراز دستیهای لشکر خوارزم	۲۳۷	۶۰۷	۱۲۰۱۱
بنیاد خانه پادشاهان بنده	۲۳۷	.	.
قطب الدین	۲۴۱	.	.

فہرست

کھتار دور	روی	سال تاز	سال و سنج
بر تخت نشستن قطب الدین در لاہور	۲۴۶۲	۶۰۲	۱۲۰۶
از اسب افتادن قطب الدین و مردنش۔	۲۴۶۳	۶۰۶	۱۲۱۰
تخت برداشتن بزرگان دہلی	۲۴۶۴	۶۰۶	۱۲۱۰
آرام پور قطب الدین را گرفتن شمس الدین التمش تحت	۲۴۶۴	۶۰۶	۱۲۱۰
دہلی را از آرام شکر کشیدن پیدوز از غزنین به دہلی و گرفتار نمودن شمس الدین	۲۴۶۵	۶۰۶	۱۲۱۱
اورا در جنگ۔	۲۴۶۶	۶۱۲	۱۲۱۵
بر آمدن چنگیزیان از تاتارستان رسیدن جلال الدین قزلباش	۲۴۶۸	.	.

فهرست

کفتار در	روی	سال تاز	سال فر
محمد خوارزم شاه به پنجاب و لشکر تاتار با خلیفه خان از دیناش	.	.	.
تالیپ سند -	۲۴۹	۴۱۸	۱۲۱۲
بازگشت جلال الدین به ایران	۲۵۴	۴۲۰	۱۲۲۳
تاختن شمس الدین التمش بر ناصرالدین قباچه فروشدن کشتی	.	.	.
زندگی ناصرالدین در آب سند	.	.	.
و فروده شدن سند بر دلی	۲۵۷	۴۲۲	۱۲۲۵
افزوده شدن بهار و بنگال بر دلی -	۲۵۸	۴۲۲	۱۲۲۵
آغاز نمودن شمس الدین التمش پاکشودن و فرودن کشورهای	.	.	.

فہرست

کھٹار دور	روی	سال تاز	سال وز
کوشہ و کنار بندوستان	۲۵۸	۶۲۳	۱۲۲۶
انجام یافتن کار پائیکہ آغاز نموده بود	۲۵۹	۶۳۰	۱۲۳۲
رخت بر بستن شمس الدین ایزن			
جهان و بخت نشستن رکن الدین	۲۶۰	۶۳۳	۱۲۳۶
نابکاری رکن الدین در کار کشور دار			
و برداشتن بزرگان دربار اورا			
از تخت شہریاری و نشانیدن			
خواہرش رضیہ بیکم را بجای او	۲۶۱	۶۳۴	۱۲۳۶
کشته شدن رضیہ بیکم و برآمدن			
مغز الدین بہرام شاہ پور الشمس			
بہ تخت دہلی۔	۲۶۲	۶۳۷	۱۲۳۹
کشته شدن بہرام شاہ و بخت			

فہرست

گفتار و	روی	سال تاز	سال فر
سسین علاء الدین مسعود پور رکن الدین بیزار شہین بزرگان پایہ تخت از حبشہائی ناگوار علاء الدین مسعود گرفتار ساختنش و نشان دادن نامیر الدین محمود را بر تخت۔	۲۶۵	۶۳۹	۱۲۴۱
آغاز نمودن ناصر الدین و دستورش بہ آگہانیدن سرکشان۔ انجام دادن آن کارها و افزودن شیرخان غزنین را بدہلی۔	۲۶۷	۶۴۴	۱۲۴۴
روی نهادن ناصر الدین بکمان از راہِ لاہور	۲۷۰	۶۴۶	۱۲۴۷
ب تاخت آوردن لشکر مغول بسوی پنجاب	۲۷۱	۶۴۹	۱۲۵۰
ب تاخت آوردن لشکر مغول بسوی پنجاب	۲۷۱	۶۵۰	۱۲۵۲
ب تاخت آوردن لشکر مغول بسوی پنجاب	۲۷۴	۶۵۶	۱۲۵۸

فهرست

کتاب	رومی	سال تناز	سال وز
آبنگ غیاث الدین دستور به فرمان شاه برای آگمانیدن سرکشان -	۲۷۵	۶۵۷	۱۲۵۹
آمدن ایچی بلاکوحان بدلی نزد ناصرالدین -	۲۷۵	۶۵۸	۱۲۶۰
پدرود نمودن ناصرالدین گیتی را	۲۷۶	۶۶۴	۱۲۶۴
خومی و کواس او -	۲۷۷	.	.
نشستن غیاث الدین بلبن بر تخت شهنشاهی دلی -	۲۷۹	۶۶۴	۱۲۶۴
نابسان شدن سوانه پنجاب از مرگ شیرخان و روی نهادن ترکنازان مغول بدان	.	.	.

فهرست

گفتار و رو	روی	سال تناز	سال فر
سامان و نامزد نمودن عیاش الدین فرزند مهتر خود محمد خان را بفرمان فرمانی سند و لاهور و پور کهنتر خود ناصرالدین بفرمان خان را به			
سمانه و سنام	۲۸۵	از ۶۶۵	از ۱۲۶۶
کشی تغزل در بنگال	۲۸۷	تا ۶۶۸	تا ۱۲۶۹
شکرکشی عیاش الدین بسوی بنگال برای گوشمال تغزل	۲۸۹	۶۷۹	۱۲۸۰
کشته شدن تغزل	۲۹۱	۶۷۹	۱۲۸۰
واگراشتن عیاش الدین بسوی بنگال را بفرزند کهنتر خود بفرمان			
و دادن پنج اندرز به او -	۲۹۲	۶۸۰	۱۲۸۱

فهرست

گفتار و رو	روی	سال تراز	سال فرسخ
دربار و اندرز و ادب بفرزند و بازگشت نمودنش به بنگال	۳۱۶	۶۸۷	۱۲۸۷
کشته شدن کیعباد و بیابان رسیدن روزگار شاهی بندگان			
که بازمانده خانه غور بودند	۳۲۳	۶۸۷	۱۲۸۸
بنیاد خانه خلج	۳۲۴	.	.
بر تخت نشستن جلال الدین فیروز			
خلج	۳۲۳	۶۸۷	۱۲۸۸
سرگزشت سید موله در ویش			
ایرانی	پایان سخن فهرست	۶۹۰	۱۲۹۰
آهنگ جلال الدین برای گوشمال			
سرکشان مالوه و پنجاب	۳۳۱	۶۹۱	۱۲۹۲

فهرست

گفتار در	روی	سال تا سال	تاریخ
شکر کشیدنش بمالوه بار دوم شکر کشیدن علاء الدین برادر زاده فیروز بدکن -	۳۳۳۳	۶۹۲	۱۲۹۳
بازگشت علاء الدین فیروزشده از دکن و گشتن او جلال الدین و بدست آوردن تخت دہلی	۳۳۳۴	۶۹۳	۱۲۹۴
نامزد کردن علاء الدین برادر خود النغ خان و دستور خوش نصرت خان را بیازگرفتن کجرات از راجہ آنجا که پس از شہاب الدین گردن خود سری برافراشته بود و	۳۳۴۴	۶۹۵	۱۲۹۵

فهرست

گفتار و	روی	سال تار	سال فر
دست یافتن آن سرداران بجرات و گریختن راجه بگلا	۳۴۹	۶۹۷	۱۲۹۷
خواندن علاءالدین الغ خان را از سمانه و نصرته خان را از گره و فرستادن گریختن رتنبور	۳۵۶	۶۹۹	۱۲۹۹
گشاده شدن رتنبور بدست خود علاءالدین که پس از شکست سرداران آهنگ انجام نمود.	۳۶۰	۷۰۰	۱۳۰۰
شکر فرستادن علاءالدین بر سردار ورنکل و رفتن خود برای گرفتن چنور.	۳۶۶	۷۰۲	۱۳۰۲

فهرست

گفتار در	روی	سال تناز سال	شماره
فرستادن علاء الدین ملک کافر را با یکصد هزار سوار بدکن دانسته شدن تباهی شکریکه از بنگال بدکن رفته بود و نامزد شدن کافر با شکریکران برای کوشش شمال راجه و زکحل از راه دیوگر -	۳۷۷	۷۰۶	۱۳۰۶
فرستادن علاء الدین کافر را بدورترین پرگنه های کشور وکن -	۳۸۵	۷۰۹	۱۳۰۹
باز آمدن کافر بدی با فیروز	۳۸۷	۷۱۰	۱۳۱۰
ودلخوشی و یغی بیکران	۳۹۰	۷۱۱	۱۳۱۱

فهرست

گفتار و	روی	سال تناز	سال قری
مردن علاء الدین -	۳۹۴	۷۱۴	۱۳۱۴
کواسس جهانذاری او	۳۹۴		
عمر پور علاء الدین خلیج -	۳۹۶	۷۱۴	۱۳۱۴
مبارک شاه خلیج -	۳۹۸	۷۱۷	۱۳۱۷
شکرکشی مبارک شاه بسوی			
دکن برای گوشمالی راجه پیر پالیک	۴۰۰	۷۱۸	۱۳۱۸
فرستادن مبارک خسرو خان			
که دل از دست داده مهرشش بود			
با چتر و دورباش پادشاهی			
از دکن به مبار	۴۰۱	۷۱۸	۱۳۱۸
بازگشت خسرو خان به بی و پانز			
گرفتن تخت و پادشاهی در قان	۴۰۱	۷۱۹	۱۳۱۹

سال فر	سال تراز	روی	گفتار در
			<p>کشتن خسرو خان مبارک شاه را نشستین بر تخت دلی و خوان خود را ناصرالدین و سر بلند کردن غازیخان از پنجاب و با لشکر آن سوانه روی به دلی نهادن و گرفتن و کشتن خسرو خان و برادرش خانخانان را پس از یکدو جنگ که آنها در هر دو شکست خوردند و درآمدن غازیخان بدلی و نشستین بر تخت آن بخوابش مردم و فرنام غیاث الدین بر خود نهادن</p>

فہرست

گفتار و	رومی	سال تاز	سال فرنگی
ووراقمادین خانہ خلج -	۴۰۵	۷۲۱	۱۳۲۱
بسیاد خانہ تعلق	۴۰۸		
غیاث الدین تعلق شاہ	۴۰۹	۷۲۱	۱۳۲۱
فرامیدین غیاث الدین فرزند متر خود جونا خان را بفرنام الغخان و جانشین پیش ساختن و پاشکر فرستادنش بدکن و			
تباہی شکر او برد و شکل شکر کشیدن الغخان بار و بگر بدکن و گرفتن بیدر و و شکل را و بردن راجہ و شکل را بہ	۴۰۹	۷۲۲	۱۳۲۲
دلی -	۴۱۱	۷۲۳	۱۳۲۳

فهرست

گفتار در	رومی	سال تناز	سال فرنگ
رفتن عیاش الدین با شکر بسوی بنگال -	۴۱۱	۷۲۴	۱۳۲۴
آقا دین عیاش الدین در قنار مرگ از قنار خان چوین بر سر تخت نشستن محمد تعلق شاه و بر باد دادن گنجینه های شاهی از پنجشهای بیجا	۴۱۳	۷۲۵	۱۳۲۵
آمدن تیمور شین ایلیان الوس جغهای بترکازی هند -	۴۱۴	۷۲۷	۱۳۲۷
شهر و اساختن محمد شاه تعلق از مس بجای زر و سیم سوه وا خوردن شهر و اور سوانی	۴۱۷	۷۳۰	۱۳۳۰

فهرست

گفتار در	روی	سال تا سال	سال و
تجربتهای شاهی از دودن بهما آنها -	۱۴۱۸	۶۳۲	۱۳۳۲
پیدا و آغاز نمودن محمد شاه از تم کردن بر زیر دستان و کشتن مردمان بی گناه و سر بر کردن سرخشان از گوشه و کنار و از افتادن کشور از حبشهای بیخروانه و رفتارهای دیوانه وار آن پادشاه -	۱۴۱۹	۶۳۳	۱۳۳۳
برداشتن محمد شاه تحت شمشیر را از دلی و نهادنش در دیو و گذاشتن نام دولت آباد بر آن			

فهرست

گفتار و رو	رومی سال	تاری سال	سال فرنگی
<p>و اباد نمودن باغها و برافراشتن کاخهای شاهانه در آن تسخیر و تازه -</p>	۴۲۴	۶۳۶	۱۳۳۶
<p>کشیدن ملک بهرام از قتل و گرفتن او پنجاب را و روان شاه بسوی او و بازگشتش به دلی پس از جنگ بهرام و کشتن او</p>	۴۲۵	۶۳۹	۱۳۳۸
<p>شورش بنگال و کشته شدن قدرخان فرمانفرمای آن کشور فرستادن محمد شاه خواجه جهان را بکوشمال کرده که کوه را</p>	۴۲۶	۶۴۱	۱۳۴۰

فهرست

سال و روز	سال تازه	روی	گفتار در
۱۳۰۶	۷۴۳	۴۲۷	<p>را پس از بیرون شدن افغانان ترک تاز گرفته بودند -</p> <p>بهدست شدن یکی از راجگان و کن (که از هفت هشت سال پیش افتاده بود در پی آبادی خانه راجه بلالیو) با سپردار و یو برای به دست آوردن پادشاه آزادانه و گرفتن او کرنا تک را و سپردار و یو تلنگانه را کامیابانه -</p>
۱۳۰۴	۷۴۵	۴۲۹	<p>شورشهایی تازه در شهرها کوناگون -</p>

فہرست

گفتار دور	روی	سال تناز	سال فرنگ
تاریخ کردن یوز باشتیان گجرات (امیران سده) خانجہان دستور			
گجرات را کہ آہنگِ وہی منوودہ بود مردن محمد شاہ و تخت برداشتن	۴۳۴	۷۴۸	۱۳۴۶
بزرگان بارگاہ برادرزادہ او فیروز کواس محمد تعلق شاہ	۴۳۸ ۴۳۹	۷۵۲	۱۳۵۱
فیروز شاہ تعلق شکر کشیدن فیروز بسوس	۴۴۱	۷۵۲	۱۳۵۱
بنگال بنیاد نهادن فیروز شہر	۴۴۵	۷۵۴	۱۳۵۳
فیروز آباد را آغاز نمودن فیروز بر بدن چوہا	۴۴۵	۷۵۵	۱۳۵۴

فهرست

گفتار دور	رومی	سال تقویم	سال شمسی
از رود سیلج و رودهای دیگر رسیدن ایلیچیان کبک و لکهنو	۴۴۵	۷۵۶	۱۳۵۵
بدرگاه فیروز - آمدن ایلیچیان شمس الدین	۴۴۶	۷۵۷	۱۳۵۶
از بنگال بدرگاه فیروز - رومی نهادن فیروز به بنگال و از در آشتی درآمدن سکندر شاه پور شمس الدین و گزنه	۴۴۶	۷۵۹	۱۳۵۸
پیشکش بسیار - آغاز نمودن فیروز کارهای روز	۴۴۷	۷۶۰	۱۳۵۹
بسی را - برپا شدن اندک شورش در	۴۴۸	۷۶۳	۱۳۶۱

کفتار دور	روی	سال تناز	سال فر
<p>لیبریات از مردن فرمانده آنجا - ناتوان شدن فیروز از پیری و کزایش نگام جهانبانی بدست دستورخویش خان جهان واقفان دستور دور</p>	۴۴۸	۷۷۵	۱۳۷۴
<p>اندیشه پادشاهی - فرمان دادن شاه گرفتار شاهزادگان از دانداز دستور -</p>	۴۴۹	۷۸۷	۱۳۸۵
<p>کوشه گزیدن فیروز از جهان و دادن تخت و دیهیم با فرمانم ناصرالدینی شاهزاده محمد خان و نشستن او بر تخت جهانبانی</p>	۴۴۹	۷۸۹	۱۳۸۶
	۴۵۰	۷۸۹	۱۳۸۶

فہرست

کفتار دور	روی	سال تنازع	سال فرسوخ
برکشتن بزرگان کشور از ناصر الدین محمد شاہ از رگزر تا پنجاب یہاں او و بدست گرفتن شان شاہزادہ گان دیگر و جنگ در انداختن با ناصر الدین و گریز ایندیش بیوی کوہستان سرور۔	۴۵۱	۷۸۹	۱۳۸۷
بسر رسیدن روز زندگی فیروز خوی و کواکس او	۴۵۲	۷۹۰	۱۳۸۸
تحت نشستن تعلق شاہ غیاث اللہ دوم پور فتح خان فرزند فیروز شاہ پروا ختن غیاث الدین بخوشگزار و در انداختن او با ہمان بزرگان	۴۵۷	۷۹۱	۱۳۸۹

فهرست

کفتارور	روی	سال تناز	سال مرگ
که بر تختش نشانیند و از تحت برداشتن همان بزرگان عیاش را و بر تخت نشاندن ایشان ابوبکر شاه پور ظفرخان پسر فیروز شاه تعلق را -	۴۵۸	۷۹۱	۱۳۸۹
شکر کشیدن ناصرالدین بر سرده	۴۵۹	۷۹۲	۱۳۸۹
د فیروزی یافتن بر ابوبکر شاه بر تخت نشستن ناصرالدین بارگ رفتن ظفرخان بکرات بفرمان ناصرالدین و از میان برداشتن او فرحت الملک را و منظر شاه شدنش بکرات پس از مرگ	۴۶۰	۷۹۲	۱۳۸۹

فہرست

سال تناز	سال وز	رومی	گفتار دور
۱۳۹۰	۷۹۳	۱۴۶۱	ناصرالدین - مردن ناصرالدین محمد و نشستن فرزندش سکندر شاہ بجای او۔
۱۳۹۳	۷۹۶	۱۴۶۲	مردن سکندر شاہ و تخت برآمدن ناصرالدین محمود پور ناصرالدین محمد
۱۳۹۳	۷۹۶	۱۴۶۲	در نژاد تیمور۔
۱۳۹۵		۱۴۶۵	تاختن تیمور بر ہندوستان۔
۱۳۹۸	۸۰۰	۱۴۶۷	در آمدن تیمور بر در شہر تلمنبہ
۱۳۹۹	۸۰۱	۱۴۶۸	رفتن ناصرالدین بجناب تیمور و شکست خوردن و گریختنش بسوی کجرات و در آمدن تیمور بشہر ونشستن او بر تخت دہلی۔
۱۳۹۹	۸۰۱	۱۴۷۰	

فہرست

گفتار و رو	روی	سال تاز سال	سال
گفتار مردم و تاراج شہر دہلی بازگشت تیمور از ہند و گشتن و ویران نمودن مردم و شہر ہمایون در راہش بودند۔	۴۶۳	۸۰۱	۱۳۹۹
سرافراز نمودن تیمور خضر خان را در راہ لفرمانفرمانی لاهور و طمان و دیبا پور و چکونگی دہلی پس از رفتن تیمور از آن شہر بدست آوردن اقبال خان گرد و بر دہلی را و شکر کشیدنش	۴۶۴	۸۰۱	۱۳۹۹
بیانہ۔ شکر کشیدن اقبال خان بر سر	۴۶۵	۸۰۳	۱۴۰۱

فهرست

کفتار دور	روی	سال تناز	سال سرنگ
حضرت خان و کشته شدنش - برگزیدن بزرگان دلی دولت	۴۷۷	۸۰۸	۱۴۰۶
خان لودی را پادشاهی - در نژاد سیدها و بنیاد خانه پادشاهیشان -	۴۷۹	۸۱۶	۱۴۱۳
بر تخت نشستن سید حضرت خان مردن حضرت خان و بر تخت نشستن	۴۸۲	۸۱۷	۱۴۱۴
بزرگان پورا و سید مبارک را کشته شدن مبارک در شهر مبارک آباد که خودش برکنار	۴۸۳	۸۲۴	۱۴۲۱
رو زمین بنیاد نهاد - کواکس او -	۴۸۵	۸۲۷	۱۴۲۴
	۴۸۵		

فهرست

گفتار و رو	روی سال تناز	سال فر
بر تخت نشاندن سردار ملک دستور سید محمد شاه را -	۴۸۴	۸۳۷
آهنگ دستور کشتن شاه و کشته شدن خودش -	۴۸۸	۸۳۸
سپه نهادن محمد شاه بر باشش و خوشگروانی و سر بلند نمودن بهلول لودی برای بدست آوردن تخت جاثبانی	۴۸۹	۸۴۰
مردن محمد شاه و تخت بر آمدن فرزندش سید علاء الدین -	۴۹۳	۸۴۹
ور آمدن بهلول لودی به دلی پس از ماندن علاء الدین شاه		

فهرست

کفتار در	روی	سال تناز	سال فر
تاسا لهامی در از در بدایون - اقادین تحت و دیهیم شهنشاه هندوستان بدست بهلول لودهی و اقادین خانه سیدنا	۴۹۵	۸۵۴	۱۴۵۰
بر زمین نابودی -	۴۹۶	۸۵۵	۱۴۵۱
مردن علاء الدین در بدایون بسیاد خانه لودهی	۴۹۷	۸۸۳	۱۴۷۸
بهلول شاه لودهی -	۵۰۱	۸۵۵	۱۴۵۱
مردن بهلول -	۵۰۴	۸۹۴	۱۴۸۸
کواسیس او سکندر شاه لودهی پور بهلول مردن سکندر شاه و افسر بهلول	۵۰۴		
	۵۰۵	۸۹۴	۱۴۸۸

فهرست

گفتار و رو	روی سال تناز	سال فر
ابراهیم پسرش - کواسر او - ابراهیم شاه لودهی و آغاز ناهنجاری نمودنش هم از هنگام تخت نشینی -	۹۲۳	۱۵۱۸
بنادین ابراهیم شاه تیغ در میان بزرگان نامدار و خوا دولت خان لودهی بابر شاه مکرمین تخت دلی -	۹۲۳	۱۵۱۸
باز آمدن بابر شاه از کابل هند و فرود آمدنش به پانی پت - بناک پانی پت و شکست از	۹۳۰	۱۵۲۴
	۹۳۲	۱۵۲۶

تقریر

کفار و	روی	سال تازه	سال و
و کشته شدن خود و سیاحتش در آمدن بایر بدلی و پامی بناوش بر تحت شهنشوی هندوستان	۵۱۵	۹۳۲	۱۵۲۶
و نگون ساری خان لوبه	۵۱۸	۹۳۲	۱۵۲۶

سرگزشت سید موله در ویش ایرانی در روزگار

جلال الدین فیروز خاچ

گویند میانخی بزرگب نهانی کشته شدن جلال الدین فیروز
و تباہی خاندانش خون بیگناه سید موله نام در ویشی
بود از مردم گرگان که پس از جهان گردی بسیار
در جامه در ویشی برای دیدن شیخ فرید شکر گنج یاد طلب
آهنگ هندوستان نمود و پس از آنکه در اجودین

سگزشت سید موله در ولایت اریانه

بدیدار شیخ رسید و با او در تنهایی با او در اجمن با گفتگو با نمود
 در روزگار پادشاهی غیاث الدین بلبن خواستند گلگشت دلی
 شد و از شیخ دستوری خواست -

شیخ گفت تو میخواهی به دلی بروی و آنجا خان بخشش
 بستی در آمد و شد بروی مردم بگشائی و بنویان و
 جهان پیمان را بنوازی بسیار خوب بروی مگر بر یک اندر
 من که سید بهت کارکن و آن اینست که با پادشاه و بزرگان
 درگاه او در دوستی و آشنائی نکوبی و همیشه از من نشینی
 و گفتگوی با ایشان به پریشانی که دوستی و آسایش این
 گروه برای درویشان بسینوائی مانند ما زهر کشنده است
 موله به دلی درآمد و آنجا خانگاه بزرگی برپا نمود
 دست بداد و دهمش برگشود و در اندک روزگاری از
 رکنز بهمان کردار با شمار از شکر فی از هر گونه مردم پیرو

سرگزشت سید موله در ویش ایران

خود فرمود -

نوشته اند که کارخانه او تا آن اندازه بلند و گشاده بود
 که روزی چندین هزار من آرد و برنج و روغن و گوشت
 و چیزهای دیگر در آشپزخانه او سخت میشد و از بنویان شهر
 گرفته تا بزرگان لشکر و فرماندهان کشور در خانقاه او خوراکی
 میخوردند آنهم بدانسان دلچسب و پرمزه که هرگز مانند
 آن را در خانه خود یا در جای دیگر نخورده بودند و چون برای
 بزرگان اینگونه دستار خوانها پول از او میخواستند یا بهنگامیکه
 میخواست کبسی نخستی نماید (چنانکه بارها شد که چندین هزار
 درست به بزرگان شهر بخش نمود) چنین میفرمود که از زیر
 آن بویا آن سنگ یا آن نخست بگیرید و بپسید و چون
 آن بویا یا سنگ و نخستی را که نشان داده بود برسد شستند
 همان مایه سیم زر را تازه سومه که در کار بود میساختند و بجا

گزشت سید موله در ویش ایر

میردند

با اینهمه خودش هرگز بجز کرباس چیزی نپوشید و بجز آتش
 برنج ساده و آب چیزی نخورد و نوشید و گرچه در نماز آینه
 و دیگر نمازها در نمازخانه با مردم انبازی نمیکرد مگر همیشه
 تنها نماز می خواند و پیرشش یزدان و هرگونه تن کاهی میکوشید
 و از همین کارها همگی مردم (چنانکه در چنین بهنگامها خوی ایشان
 است) هزارگونه اندیشهها و گمانها درباره او سخنموند و هر
 روز بسیاری از مردم بازار و دربار به او گردیده دست
 پیروی باو میدادند و خان خانان فرزند محمد جلال الدین یکی
 از گردیدگان بود که هر روز خود را بسجاکرمی او می رسانید
 بهین سان هر روز بر شمار گردیدگانش افزوده میشد تا
 در روزگار جلال الدین فیروز خلیج که ملک الامرا ملک فخر الدین
 بکوئال بمرد و پیش از دوازده هزار تن از بستگان ^{خواه} خان

سگزشت سید موله در پیش پادشاه

که بی سالار و پرستار شدند روی به خانکاه در و پیش نهادند
و همه بهمان مسان از نشاندی او از زیر لوریا و خشت و سنگ
پولها و زرها بر آورده در راه آسایش خویش بکار میبردند
گویند از آنان دوازده هزار تنشان از قهرمان براس
قرآن خوانی و اخور دانش خود ماهانه میستانند و باز مانده
از بزرگان خانه نشین بودند که از او با اندازه پیرینه خود ما را
می یافتند

باری سرانجام قاضی جلال الدین نام کاستانی که او هم از
درباریان بود درهای جادو زبانی را بر روی در پیش پادشاه
و مردم انبوهی را از آن گروه در آن کار با خود انباشت پس
همه چندان زبان ریزها کردند تا او را از راه خودش در بردند
و براه خویش شان در آوردند و او تن بدین کار دید و او که
او شان پادشاه را کشته او را همین برای این بخت

سرگزشت سیدموله در ولایت ابراهیم

نشاند که کشور از دست ستمگران بیرون شود و بدست کسی
افتد که بیشتر بکار بیچارگان خورد و بداد ستم دیدگان
رسد.

پیش از آنکه این کار آشکار شود یکی از هم پیمانان رنجی
یافته خود را بجلال الدین فیروز رسانید و آنچه شنیده و دانسته
بود بر او باز نمود.

جلال الدین سیدموله و قاضی جلال الدین و دیگر یاران او
را که سرشناس بودند پیش خود خوانده از چگونگی باز پرسید
و چون دید که همه شان یکباره سر از راستی آن سرگزشت
باز روند فرمود تا بیرون شهر آتش بمیناکی برافروخته همه
را بدانجا برند و خودش نیز با بزرگان کیش آنجا رفته
آتش را آزمایشگر راست و دروغ آنان سازد.
چون نزدیک توده آتشی رسیدند که آلاوش بس بلند